

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع

بررسی تئوری شاهی آرمانی و تداوم آن در دوره

اسلامی

استاد

آقای دکتر شجاع احمدوند

دانشجو

مهدی بخشی شیخ احمد

تهران

پائیز ۱۳۸۵

فهرست

صفحه	عنوان
۱	۱- مقدمه
۲	۲- جهان بینی در ایران باستان
۴	۳- ویژگیهای شاه آرمانی
۵	الف. قدرت موثر یا زور
۶	ب. آئین یا قرارداد اجتماعی
۶	پ- فره ایزدی یا شوکت
۸	۴- تداوم اندیشه ایرانی در دوره اسلامی
۸	الف. فلسفه سیاسی
۱۱	ب. سیاستنامه
۱۳	پ. حکمت اشراق
۱۵	۵- نتیجه گیری و جمع بندی
۱۷	۶- فهرست منابع

۱- مقدمه

اندیشه ایرانیان باستان را مانند اندیشه دیگر مردمان دنیای قدیم، می توان از اسطوره‌های حماسه‌ها، کتابها و باورهای دینی و نیز سنگ نبشته‌های آنان دریافت. انسانهای دنیای کهن، اندیشه‌هایشان را در قالب اسطوره‌ها، آیین‌ها و سرودهای دینی بیان کرده‌اند؛ از این رو به قول مردم دکتر حمید عنایت یکی از علل دشواری تحقیق در اندیشه‌های سیاسی در ایران آمیختگی آنها با عقاید و تعالیم دینی و اخلاقی و جهان‌شناسی و تاریخی است. در حالی که در مغرب زمین و از زمان افلاطون سنت بر آن بوده است که رساله‌ها و کتابهای جداگانه در موضوع سیاست و کشورداری بنویسند، در فرهنگ ایرانی تفکرات مربوط به جامعه و حکومت چه در دوره پیش از اسلام و چه پس از اسلام در ضمن ملاحظات عام‌تری درباره این و دنیا مندرج است. بدین جهت آگاهی از چگونگی اندیشه‌های سیاسی مستلزم آن است که کم و بیش همه متون و منابعی که به نحوی خود کار بینش و نگرش ایرانی در زندگی فردی و اجتماعی است از اندرز نامه‌ها گرفته تا کتب ملل و نحل و شرح حالها بدقت مطالعه شود (عنایت، ۱۳۶۹: ۶۱)

این مقاله به دنبال بررسی نظریه شاهی آرمانی در ایران باستان و به عبارتی اندیشه سیاسی ایرانشهری و تداوم آن در دوره اسلامی می‌باشد؟ سؤال اساسی این می‌باشد که مدل رهبری سیاسی ارائه شده در اندیشه سیاسی ایرانشهری کدام می‌باشد؟ و این تئوری ارائه شده در دوره بعد از اسلام به چه شکلهایی متجلی شد؟ فرضیه‌ای که مورد سنجش قرار می‌گیرد این است: مدل رهبری سیاسی در اندیشه ایرانشهری Persian utopia تئوری شاهی آرمانی بوده است؛ بعد از ظهور اسلام این تئوری در قالبهای مختلف از قبیل فلسفه سیاسی، سیاستنامه و حکمت اشراق ... تداوم پیدا کرد، اما این قالبهای تفکر هر کدام به فراخور موقعیت و شرایط سیاسی خاص خود، وجوهی از آن برداشته و در قالب تفکر خاص خود ادامه دادند.

مفهوم بنیادین اندیشه سیاسی ایرانشهری شاه آرمانی دارای فره ایزدی است که شاه آرمانی دارای فره ایزدی عین شریعت است و نه هجری آن؛ اندیشه شاه آرمانی دارای حره ایزدی در کهن‌ترین منابع اندیشه ایرانشهری آمده است و با همین مفهوم بنیادین، اندیشه سیاسی مسیحی سده‌های میانه و بویژه روم شرقی پیوند می‌یابد که در آن نیز شاه موجودی نامیرا و خداگونه است. شاه آرمانی نیز از آنجا که دارای

فره ایزدی است. در نوشته‌های ایرانشهری به عنوان انسانی خداگونه، نماینده و

برگزیده خدا بر روی زمین فهمیده می‌شود (طباطبائی؛ ۱۳۷۵: ۱۳۱)

۲- جهان بینی در ایران باستان

با اینحال، اندیشه سیاسی مردمان باستان در بافت کلی جهانشناسی آنها جای گرفته

است. جهان‌شناسی شیوه‌ای در پرداخت اندیشه است که فلسفه، دین، اخلاق و

اندیشه سیاسی را با هم در بردارد، در جهان‌شناسی و جهان بینی ایرانیان، جهان

دارای نظم و همگونی است. این نظم طبیعی، مقدس، و قابل احترام است. البته این

نحوه نگرش اختصاص به ایران ندارد؛ در واقع، کیهان‌شناسی غالب در میان انسانها

تا قبل از عصر نوزایی (رنسانس)، نه فقط در میان ایرانیان، بلکه در همه جای دنیا،

جهان را مجموعه‌ای می‌دانست که می‌توانست که می‌توان آنرا به یک خیمه همانند

نمود. در این جهان خیمه‌ای همه چیز موزن است، چرا که طبیعت چیزها این طور

تلقی می‌گردید و این طور استنتاج می‌شد که این موزونی مقدس است. (رجائی،

۱۳۷۳: ۴۰-۴۱)

در جهان‌شناسی هند و ایرانی، آرته (Arta) مفهوم مهمی است. آرته آیین و

شیوه‌ای است که سراسر جهان هستی از طبیعت تا جامعه و تا عالم مجردات را به

هم پیوند می‌زند. آرته که زیر بنای فکری آریائیه‌های ایرانی را تشکیل می‌دهد، همهٔ ابعاد زندگی انسان در جامعه و نظام هستی و کل عالم وجود را در بر می‌گیرد و حیات در این چارچوب معنی می‌یابد.

آرته پایدار نامنظم کیهانی و ناموس ازلی طبیعت است و چون در اندیشهٔ سیاسی ایران همواره آرته به مثابه الگوی تبیین و توجیه نظام سیاسی ایرانشهری به کار رفته است، می‌توان گفت که نظم زمینی و نظم بشری مورد توجه بوده است. آنچه در

چارچوب نظام سیاسی می‌گنجد، نیک و مقدس است و آنچه بیرون از آن قرار می‌گیرد، بیرون از نظم قدسی کیهان انگاشته می‌شود. جهان باستان، جهانی منظم و

بسامان است و این سامان و نظم، خود از الگوی نظم کیهانی و آیین متعالی هستی گرفته‌برداری شده است؛ آرته‌ای که نظم را نه تنها در آسمان و کیهان، بلکه در زمین

نگاه می‌دارد. طبق ایدئولوژی‌های ایرانیان باستان، آرته نظام و آئینی بوده است که سراسر عالم هستی را به هم می‌پیوسته، و بر همهٔ امور، کلی و جزئی، و به همهٔ

اشیاء، خرد و بزرگ، حاکم بوده است. در نظر ایرانیان راستی که معنی آن به «عدالت» نزدیکتر بوده است تا به سخن راست، هماهنگ شدن با نظام اخلاقی و

اجتماعی بوده، و ظلم و دروغ، شکستن و برهم زدن این آئین. آرته آئینی است بی

زوال و پایدار که دوام و بقای جهان، نظم و صلح شهر و کشور، و شادی و فرخندگی آدمی در هر دو جهان بسته بدان است. اندیشه راست، گفتار راست و کردار راست، اندیشه و گفتار و کرداری است که با این آئین‌ها هماهنگ باشد، و کسی که اندیشه و گفتار و کردار خود، یعنی جمیع اعمال حیاتی و فعالیت‌های روحی و فکری خود را با این نیروی الهی یکی و موافق بسازد، با آن پایدار و بی‌زوال خواهد گشت و پس از مرگ نیز برآستی پیوسته خواهد بود. (مجتبائی، ۱۳۵۲):

(۳۰-۳۲)

۳. ویژگی‌های شاه آرمانی:

حال این سؤال پیش می‌آید که اجرا کننده این آئین چه کسی می‌باشد و یا به عبارت دیگر این آئین را چه کسی جامعه عمل می‌پوشاند؟ پاسخ را باید در مفهوم شاهی آرمانی دوران اساطیری جستجو کرد. شاه آرمانی و دارای فره ایزدی در اندیشه سیاسی ایران شهری مانند "خدایی بر روی زمین عمل" می‌کند و دارای دو صفت جلال و جمال است (طباطبائی، ۱۶۶: ۱۲۷۵) توجه به این نکته ضروری است که در اندیشه ایرانیان باستان، فقط فرمانروایی کسانی که با نظم کیهانی هماهنگ هستند، یعنی شاهی آرمانی، می‌تواند جامعه را به سوی سعادت ببرد. وقتی چنین کسانی

فرمانروایی کنند، طبیعت نیز با جامعه هماهنگ می‌شود و خیر و برکت خود به مردم ازرانی می‌شود؛ ولی هنگامی که دروغ چیره شود، نظم زمینی و آسمانی به هم می‌خورد و طبیعت نیز از انسان روی بر می‌گرداند، باران به موقع نمی‌بازد، درختان میوه نمی‌دهند و قحطی و خشکسالی همه جا را فرا می‌گیرد (صالحی، ۱۳۸۲: ۱۸۴) حال باید به خصایص و ویژگیهای حاکم و فرمانروا یا شاه آرمانی پرداخته شود. ایرانیان خصائص ویژه خود را برای نهاد حاکمیت قائل بودند. در نزد آنها رفاه و اعمال کننده حاکمیت که به نظر آنها پادشاهی بود می‌باید از زور، آیین و فر برخوردار باشد. در زبان علم سیاست امروز به سادگی می‌توان برای این سه مفهوم، واژگانه‌های تخصصی امروزی برابر نهاد. به ترتیب می‌توان از قدرت موثر، قرارداد اجتماعی و یا قانون اساسی و شوکت یا جلال استفاده نمود. (رجائی، ۱۳۷۵: ۷۸)

الف- قدرت مؤثر و یا زورها:

حاکم و اعمال کننده قدرت سیاسی کسی است که قدرت در اختیار دارد و در بالاترین مقام و شأن سیاسی می‌تواند خواست خود را جامعه عمل بپوشاند. اما این پادشاه قدرتمند و برخوردار از قدرت مؤثر می‌بایست چهار خصیصه داشته باشد که عبارتند از: نژاد، گوهر، هنر و خرد. آریائیان به داشتن خون پاک و اصیل بسیار

تأکید می‌کردند. مراد از گوهر یا سرشت همان است که امروزه از آن با مفهوم استعداد یاد می‌گردد. مراد از هنر فرهیختگی بود و تربیت که همه شامل آموزش و تکنیک‌ها و نقشهای رفتاری بود و هم تعلیم و ممارست نوعی سلوک شمرده می‌شد. مراد از خرد نیز برخورداری از عقل سلیم است.

ب- آیین یا قرارداد اجتماعی: بر سلطان و حاکم فرضی است که آیین را بشناسد و در واقع نه تنها دنباله‌رو باشد بلکه در صورت امکان به تشویق و تبلیغ آیین خویش پردازد. در معنای فلسفی و جهان‌شناسی آن، منظور از آیین درک معنای آرته یا رشد است که توضیح آن رفت. (رجائی، ۱۳۷۵: ۸۵-۷۸).

پ- فره ایزدی یا شوکت:

فره ایزدی یکی از مفاهیم مهم در جهان‌شناسی و اندیشه سیاسی ایرانی است این واژه صورت جدید واژه‌های قدیمی‌تر یعنی فورند و فوره است. فورن در اوستا و فوره در زبان پهلوی (پارسی میانه) آمده است.

«فره ایزدی» نخستین بار در دوران هخامنشی و از زمان داریوش به کار رفته است؛ هر چند در دوران ساسانی تداوم و گسترش یافته است. حتی این نگرش وجود دارد که چه بسا فرکیانی یعنی نیرویی که خداوند به شاهان عطا فرموده، از راه اوستا به

نوشته‌های دوره اسلامی رسیده باشد (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۵-۱۳۴) در حقیقت، فرّه ایزدی آموزه ای ایرانشهری است که دو بخش تاریخ ایران زمین را به هم پیوند زده است.

داریوش در کتیبه نقش رستم، اهورامزدا را چنین می‌ستاید. خدای بزرگ است اورمزدا، که این زمین را آفرید؛ که آسمان را آفرید؛ که مردمان را آفرید؛ که برای مردمان شادی آفرید؛ که داریوش را شاه کرد؛ یک شاه از بسیار (شاهان)؛ یک

فرمانروا از بسیار (فرمانروایان) (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۱۳) آنچه از فرمانهای شاهنشاهان ایران زمین و نیز بندهای برگرفته از اوستا بر می آید، این است که شاهی آرمانی در فرمانها و فرّه مند بودن در اوستا دارای وجهای دینی می‌بوده و شهریاران ایران زمین، همه شاهانی دین آگاه بودند و به همین دلیل، گفته شد که فرمانروایی ایرانیان بر مایه قانون و داد استوار شده بود. (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۱۶۷)

در اوستا از دو گونه فر سخن گفته شده است: فرّ ایرانی و فرّگیانی. بر این پایه، فرّ، فروزه‌ای است که از سوی اهورامزدا به سرزمین ایران و پادشاهان تعلق یافته است در پرتو همین نیروی ایزدی، اهورمزدا هستی را در کمال زیبایی پدید آورده و این نیروی معنوی را پشتیبانی کسانی کرده است که شایستگی داشته‌اند. بی گمان

پایداری و نیرومندی فر به اصل خویشکاری وابسته است، یعنی فر شاهی در آن است که در سرکوب نیروهای اهریمنی و نگاهداشت "داد و آیین ایزدی" بکوشد و هر چه در خویشکاری خود که همانا پاسداشت داد و نیکی و راستی است، استوار باشد، فره او نیرومندتر و نیکبختی اش تمامتر خواهد بود، یعنی سهم بردن از ویژگیهای اهورایی و مانند شدن به ایزد (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۵۵-۵۳)

فردوسی نیز در شاهنامه، برجسته ترین ویژگی شاه آرمانی را فرّ او دانسته است. با خواندن داستانهای شاهنامه می توان دریافت که درخشانترین شخصیت برخوردار از فره ایزدی، از نگاه او، خسرو انوشیروان بوده است؛ و چنین می نماید که ضحاک تنها فرمانروایی بی بهره از فر بوده است. همچنین، بارزترین نمونه شاهی که فره ایزدی از او گرفته شده، جمشید است. روشن است که فره ایزدی در شخصیتهایی رخ می نماید که به آیین داد و خرد پیوسته باشند و اگر کسی از آیین ایزدی روی برتابد و به دروغ بپیوندد، هرگز به فر نخواهد رسید. از این رو، ضحاک از فره ایزدی بی بهره ماند، و جمشید هم تا زمانی که راه راستی و داد می پیموده، از فرّ کیانی و تأیید یزدانی برخوردار بوده و آن هنگام که به دروغ گرویده، فر از او جدا گشته است. (مجتبائی، ۱۳۵۲: ۹۴).

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که فره بعد فلسفی و متافیزیکی و مشروعیت دهنده حکومت و مقام و منزلت شاهی است. وقتی گفته می شود کسی دارای فره است، در ذهن شنونده صفاتی چون پادشاهی، پرهیزکاری، خردمندی، بزرگی و اشرافیت القاء می گردد. (رجائی، ۱۳۷۵: ۸۶)

۴- تداوم اندیشهٔ ایرانشهری در دوره اسلامی

بسیاری از وجوه اصلی جهانشناسی و اندیشهٔ سیاسی ایران باستان در دورهٔ اسلامی نیز به گونه‌هایی ادامه یافت. برخی از جریانهای فکری در ایران با روشنی بیشتر، شیوهٔ تفکر ایرانشهری را پی گرفتند. فلسفهٔ سیاسی فارابی، جریان سیاستنامه نویسی و نیز حکمت اشراق سهروردی، هر چند تفاوتهایی با هم دارند، در تداوم اندیشهٔ ایرانشهری به هم نزدیک شده‌اند. در واقع، در هر کدام از این قالبهای فکری و جوهی از تئوری شاهی آرمانی پس از ظهور اسلام تداوم تاریخی یافته است.

الف: فلسفه سیاسی:

یکی از مهمترین گونه‌های سنت سیاسی ایران، فلسفه سیاسی است که ابونصر محمد فارابی آنرا در جهان اسلام بنا نهاده است. در واقع فلسفه سیاسی فرآیندی است که در حوزهٔ تمدن اسلامی با فارابی آغاز شده است تاریخ نویسان فلسفه او را

به اعتبار اینکه به فلسفه یونانی در تمدن اسلامی بسطی داد، به درستی، مؤسس فلسفه در دوره اسلامی خوانده‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۳: ۱۵۸) فارابی نیز همچون دیگر فیلسوفان، دارای نظامی توجیهی از خلقت است که در بخشی از آن نیز علم مدنی جای می گیرد. بدین معنا فارابی متفکر یا اندیشمند صرف سیاسی نیست بلکه سیاست در نظام فلسفی او دارای جایگاهی طبیعی است و تا آن نظام مشخص نباشد نمی توان از فهم سیاست یا علم مدنی فارابی صحبت کرد. فارابی نیز مانند افلاطون و ارسطو معتقد است فلسفه معطوف به حقیقت نابی است که اساس خلقت را بیان می کند. فارابی نظام مدنی خود را در راستای همین توجه به فلسفه سازماندهی می کند. نظام مدنی نمی تواند منفک از نظام عمومی عالم به کار خود ادامه دهد و مدعی حقانیت نیز باشد. در نظام فلسفی فارابی از وجود باری یا مبدأ را موجودات، عقل اول صادر می شود و سپس طبق توضیح فلسفی پیچیده‌ای، عقول و افلاک آسمانی بعدی صادر می گردد تا سرانجام به عقل دهم که امور زمینی را تمشیت می دهد، ختم شود. عقل تمشیت دهنده امور زمینی (طبیعی) را با تفاوت تعبیر، "عقل فعال" یا "عقل قدسی" هم نامیده‌اند. (قادری، ۱۳۸۲: ۲-۱۴۱)

فارابی، در رساله سیاست مدینه، پادشاهی آرمانی را با نبوت جمع و با تکیه بر نتایج این بحث، نظریه مدینه فاضله را مطرح کرده است. مدینه فاضله به اعتبار وجود و رهبری رئیس اول، مدینه فاضله است و این نکته در نظریه فارابی جالب توجه است که مدینه فاضله فارابی عین شهر به معنی یونانی آن است.

زیرا اهل مدینه فاضله فارابی، به ضرورت شهروندان یک شهر نیستند، بلکه می توانند در مدینه های گوناگون پراکنده باشند. بدین سان، فارابی، از سویی، به نظریه

شاهی آرمانی اندیشه سیاق ایران شهری نزدیک می شود، و از سوی دیگر، نظریه نبوت را در بحث خود وارد می کند. درباره نظریه شاهی آرمانی فارابی نیز ذکر این

نکته ضروری است که منظور فارابی از پادشاه در نزد قدما در رساله سیاست مدینه، در وحدت آن با انسانی که به او وحی می شود، جمع میان شاهی آرمانی در اندیشه

سیاسی ایران شهری و دریافت فلسفی نبوت در اندیشه دوره اسلامی است. جمع میان شاهی آرمانی اندیشه سیاسی ایران شهری که در آن، پادشاه دین دار، دارای مقام

خلافت الهی و مرتبه ظل الهی است با درک فلسفی نبوت و امامت، ملازمت دارد و با تکیه بر این دریافت می باشد که فارابی دایره نبوت را بسته نمی داند. علاوه بر

آن فارابی، در تحلیل مدینه های ضاله، بی آنکه مانند افلاطون به تحلیل واقعیت

سیاسی و اجتماعی ساختار درونی نظامها پرداخته باشد، به اندیشه سیاسی
ایران شهری نزدیک شده و کانون تحلیل خود را رأس هرم اجتماعی یعنی رئیس اول
مدینه قرار داده است که از بسیاری جهات با اندیشه شاهی آرمانی ایران شهری
سازگاری دارد. (طباطبائی، ۱۳۳: ۱۶۷-۱۵۲).

پس می توان چنین نتیجه گیری کرد که شاه آرمانی از آنجا که دارای فره ایزدی
است، در نوشته های ایران شهری بعنوان انسانی خداگونه، نماینده و برگزیده خدا بر
روی زمین فهمیده شده و از این حیث، با رئیس اول مدینه فاضله فارابی که تبع
اندیشه نوافلاطونی و تفسیرهای مسیحی نوشته های افلاطون، علت موجد و مبقیه
مدینه فاضله است، از یک سنخ است. (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۱۳۳)

ب: سیاستنامه

سیاستنامه نویسی، شاخه مهمی از اندیشه سیاسی در ایران است که پیوندی آشکار با
نظریه شاهی آرمانی، یعنی یکی از اجزای اصلی جهانشناسی کهن ایرانی دارد.
سیاستنامه، دنباله سنت اندرز نامه نویسی دوران ساسانیان است (طباطبائی، ۱۳۸۲:
۳۹) یکی از مشهورترین سیاستنامه ها را خواجه نظام الملک طوسی، وزیر بزرگ
سلجوقی نوشته است. محور تحلیل سیاسی در سیاست نامه خواجه نظام الملک،

شاه است. البته نباید نظریه شاهی آرمانی پیش از اسلام را با نظریه سلطنت نظام الملک یکسان دانست. او در دوره‌ای می‌زیسته که نظام خلافت در جهان اسلام، دچار بحران شده بود؛ از این رو، با طرح الگوی شاهان ایران باستان، می‌کوشید که حکومت ترکان را در ایران سامان دهد. پادشاه مفروض خواجه، قدرت خود را از خلیفه نمی‌گیرد و به توجهات خاص وی نیازی ندارد؛ پس لازم است برای مشروعیت قدرت وی اندیشه‌ای دیگر ارائه دهد. خواجه با اثرپذیری از نظریه پادشاهی ایران باستان، مشروعیت و قدرت پادشاه را ناشی از تأییدات الهی می‌داند. توصیف خواجه از پادشاه بیشتر شاهی آرمانی را به نمایش می‌گذارد که ویژگیهای او، بسته شدن در فتنه و آشوب و گذراندن روزگار مردمان به عدالت است. نکته مهمی که نشانه تأیید الهی پادشاه آرمانی مذکور است این است که خداوند هیبت و حشمت او را در دل و چشم مردم می‌نشانند. شاید بتوان این نشانه را بیانی دیگر از مسأله فره ایزادی یا فرکیانی گرفت که بکرات در ادبیات سیاسی مرتبط با سلطنت آمده است (قادری. ۱۳۸۲: ۶-۱۲۵) به عبارت دیگر می‌توان چنین گفت که خواجه با طرح نظریه سلطنت و وام‌خواهی از شاهی آرمانی عناصری از آرمانخواهی ایرانشهری را با واقع بینی سیاسی و آموزشهای اسلامی در آمیخت (طباطبائی،

۱۳۸۲: ۶۷) یکی از همین عناصر نظام شاهی آرمانی که در سیاستنامه خواجه نظام

الملک بر آن تأکید بسیار شده است، ارتباط و پیوند وثیق میان دگرگونی جهان

هستی و سرشت شاهی است. خواجه پیدایش، شاهان خوب و عامل و نیز پادشاه

بد و ستمکار را به "حادثه آسمانی" و "سعادت آسمانی" نسبت می‌دهد. (حلبی،

۱۳۷۲: ۱۱۸)

خواجه نظام در تبیین نظریه شاهی آرمانی خود با دو تنگنای اساسی روبرو بوده

است، یکی وزیر سلطان سلجوقی بودن و دیگری ارتباط داشتن با نهاد خلافت

خلیفه از این رو، تأکید بر شاهی آرمانی، راه برون رفت از این تنگناها می‌نموده، هم

از این زاویه که به لحاظ عینی و علمی، نظام خلافت با بحران روبه‌رو بوده و هم از

این جهت که خواجه به بی‌کفایتی و ناکاردانی سلاطین سلجوقی آگاه بوده است

(صالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۱).

خواجه نظام الملک تحول اندیشه سیاسی در ایران را در بستری هدایت کرد که با

بازگشت به اندیشه سیاسی ایرانشهری خود آماده ساخته بود. اما آرمانخواهی در

اندیشه سیاسی خواجه بتدریج، و در عمل، در برابر واقع بینی سیاسی وی رنگ

باخت و جریان عمده اندیشه سیاسی سیاستنامه‌ها در راه هموار سلطنت مطلقه افتاد.

(طباطبائی، ۱۳۸۲: ۶۸).

پ- حکمت اشراق

گستره اندیشه سیاسی ایران به اندازه‌ای است که نه تنها فلسفه و سیاست‌نامه، بلکه

اشراق را هم در بر می‌گیرد. آیین اشراق در اندیشه سلطه بر انسان و دخل و تصرف

در جهان هستی و دگرگونی نظام کیهانی نیست. (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۱۵۳)

وقتی از حکمت اشراق سخن می‌گوییم، بی‌درنگ نام شهاب‌الدین سهروردی ملقب

به شیخ اشراق می‌درخشد حکمت اشراق، طرز تفکر و جهان بینی و شیوه تعقل و

جوهر ذوق ایرانی و روح بزرگ فرهنگ اصیل و باستانی ایرانیان را زنده کرده

است. از دیدگاه وی، معانی حکمت حقیقی که همان حکمت ذوق و شهودی و

مبتنی بر سیر و سلوک است، در زمان او فراموش شده بود. در اندیشه سهروردی،

حکمت حقیقی یا حکمت نوری را باید در مشرق جستجو کرد، اما نه مشرق

جغرافیایی؛ مشرق بدان معنی که محل تابش نور حقیقت و وجود باشد. (پازوکی،

۱۳۷۸: ۵۱-۵۰)

چنین مشرقی، یونان و ایران باستان است.

هانری کوربن بازگشت شیخ اشراق به آبشخورهای حکمت باستانی ایران و تجدید آن حکمت را نه تنها در تعارض با تاریخ تحول اندیشه فلسفی ایرانی در دوره اسلامی نمی داند، بلکه گذار و تداوم سنت حکمت باستانی در اندیشه دوره اسلامی را به عنوان "گذار حماسه پهلوانی در حماسه عرفانی" درک می کند. در واقع از این دیدگاه شیخ اشراق به مثابه واسطه العقدی است که دوران باستان ایران را به دوره اسلامی آن پیوند داده و گذرا از آن به این را از دیدگاه فلسفی امکانپذیر کرده است.

(طباطبائی، ۱۳۸۲: ۱۹۰)

شیخ شهاب الدین سهروردی را می توان بزرگترین مفسر مفهوم فر کیهانی در دوره اسلامی دانست و همو با تأسیس حکمت اشراق خود، از تداوم اندیشه ایرانی شهری، تفسیری مبتنی بر "حماسه عرفانی" به دست داده است. از این حیث، می توان مقام سهروردی در تاریخ اندیشه فلسفی را با جایگاه خواجه نظام الملک طوسی در تاریخ اندیشه سیاسی سنجیده و گفت که آن هر دو به نوعی با تدوین نظام فکری خود گامی بلند در تداوم و استواری شالوده اندیشه ایرانی شهری برداشته اند، مفهوم فرّه یا نور، مفهوم بنیادین حکمت اشراق سهروردی است و از این رو، تأسیس حکمت اشراق را باید بعنوان یکی از نقاط عطف تداوم اندیشه ایرانی شهری در دوره

اسلامی مورد تأمل قرار داد. در واقع، اهمیت مقام و ارجمندی جایگاه سهرودی به این امر اساسی مربوط می‌شود که او با تأسیس حکمت اشراق، به تجدید «حکمت خسروانی» پادشاهان آرمانی ایران باستان پرداخت و شالوده استواری از «یزدان شناخت» و «کیهان شناخت» برای بازپرداخت اندیشه سیاسی ایران شهری فراهم کرد که بویژه اندیشه سیاسی ایران شهری دوره اسلامی فاقد آن بود. این حکمت خسروانی، در واقع، همان فرزاندگی باستانی ایران شهری است که شاه آرمانی در کانون تأملات آن قرار داد و سهرودی در حکمت اشراق به تصریح، خود را مجدد آنان دانسته و گفته است که قاعده نور و ظلمت، طریقه فرزندگان ایران مانند جاماسف و فرشا وشه و بوزرجمهر و کسانی که پیش از آنان می‌بوده‌اند، بود. وی در بیشتر رساله‌های خود، افزون بر اینکه مفهوم فورند را به عنوان مفهوم اساسی حکمت اشراق به کار گرفته، به تکرار به بحث از فرکیانی نیز پرداخته و برای تجدید اندیشه سیاسی ایران شهری، این مفهوم را بعنوان یکی از مفاهیم بنیادین حکمت اشراق بسط داده است. (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۴-۱۴۲).

نتیجه اینکه، سیاست و حکومت از دیدگاه شیخ اشراق، مبتنی بر «حکمت» است و رئیس مدینه یا حاکم آرمانی باید حکیم باشد تا قطب جهان هستی شناخته شود و

امکان ارتباط و پیوند جامعه را با کائنات فراهم آورد. آیین سیاسی اشراق برای پادشاهان روزگارش این پیام را داشت که اگر خواهان قدرت و فرهی پیشینیان هستند، باید در نزد حکیمی متألّه حکمت بیاموزند؛ و برخی بر این برآوردند که این پیام سیاسی در سرنوشت (کشته شدن او) مؤثر بوده است. (صالحی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

۵- نتیجه گیری:

این مقاله تئوری شاهی آمارنی در اندیشه ایران شهری و تداوم آن در دوره اسلامی را به بحث گذاشت و مشخص نمود که این مفهوم از یک موقعیت ویژه در تفکر ایرانی برخوردار است. ویژگیهای تئوری شاهی آمارنی و برداشت وجوه مختلفی از آن در هر یک از قالبهای تفکری مورد بحث، یعنی فلسفه سیاسی، سیاستنامه و حکمت اشراق دغدغه اصلی این مقاله بود؛ همانطور که در بحثها مورد بررسی قرار گرفت، تئوری شاهی آمارنی مفهوم بنیادین اندیشه سیاسی ایران شهری یا آمارنشهر است که بعنوان رئیس اول مدینه فاضله در فلسفه سیاسی فارابی، پادشاه آمارنی در نظریه سلطنت خواجه نظام الملک طوسی و حکیم شاه در حکمت اشراق شیخ شهاب الدین سهروردی بکار رفته است. در حالی که سهروردی به گم شدن فلسفه در زمان خود که فلسفه اشراق به جا مانده از ایران باستان می باشد، پرداخته است،

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

نظام الملک اصول تئوری ایرانشهری را با بحث در مورد مدل شاهانه ایران باستان

احیاء کرد و سعی کرد آنرا با واقعیتهای زمان خود هماهنگ کند.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com

فهرست منابع:

۱- پازوکی، شهرام (۱۳۷۸) «شرق سهرودی و غرب هیدگر» نامه فرهنگ، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۱، (پائیز)

۲- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲) «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام»، تهران: بهبهانی.

۳- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۳) «موکة جهان بینی‌ها»، تهران: احیاء کتاب.

۴- رجائی، فرهنگ (۱۳۷۵) «تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان»، تهران: قومس.

۵- صالحی، بهروز (۱۳۸۳) «آموزه هماهنگی جامعه با نظام هستی در اندیشه سیاسی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۰-۱۹۹ (فروردین و اردیبهشت)، صص ۱۹۵-۱۸۲.

۶- طباطبائی، سید جواد (۱۳۷۵) «خواجه نظام الملک»، تهران: طرح نو.

۷- طباطبائی، (۱۳۸۲) «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، تهران: کویر.

۸- طباطبائی، (۱۳۸۲) «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، تهران: کویر.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

۹- عنایت، حمید (۱۳۶۹) «شش گفتار دربارهٔ دین و جامعه»، تهران: دفتر نشر

فرهنگ اسلامی.

۱۰- قادری، حاتم (۱۳۸۲) «اندیشه سیاسی در ایران و اسلام»، تهران: سمت.

۱۱- مجتبائی، فتح الله (۱۳۵۲) «شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران

باستان»، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: H.H
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:45:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/10/2012 6:45:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 24
Number of Words: 3,072 (approx.)
Number of Characters: 17,513 (approx.)